

کمدی لگد به عصر تراکتور

Kick the tractor era



نویسنده: حسن سالارمنش

the writer : hasan salarmanesh

کمدی لگد به عصر تراکتور

سبک کمدی: سورئال

نویسنده: حسن سالارمنش

کاراکترها:

۱. بز: «زیرک، ترسو، نامزد گوسفند، مرد»
۲. گوسفند: «مغرور، به خاطر سینوس بینی یا همون سسپودماغشو عمل کرده، معروف به بیعی نامزد بز، زن»
۳. گاو: «سالارگله که از احترام ویژه ای در بین دام ها برخوردار، مرد چاق باشکم بزرگ»
۴. سگ: «نگهبان طویله، شجاع، وفادار، مرد»
۵. خر: «احمق، لجوج، مرد»

چامولا دهکده دورافتاده در ایالات چیپاس مکزیک در سال ۱۷۶۲ میلادی تعدادی دام در طویله بزرگی در کنار هم زندگی می کردند که از ظلم و ستم انسان ها خصوصا ارباب خودشون خوان خوارس به ستوه آمدن، از این رو وقتی خبردار میشن که قراره یک هیولا اهنی وارد دهکده بشه و تمام مزارع و بوته زارهای و مراتع کنار دهکده را خراب کنه نگران میشن، خلاصه اینکه در یکی از اجلاس های شبانه طویله بز که خود را پیشوا همه دام ها معرفی میکند پیشنهاد قتل ارباب خوان خوارس را مطرح می کند و ادامه داستان

مکان: طویله بزرگی پراز علوفه و گاه. سطل اب. الوار درخت و فانوس هایی که به تیر اویزان است ...

صحنه: در تاریکی صدای موسیقی خارجی پخش می شود با شروع موسیقی ستونی از نور موضعی صورت گاو که وسط طویله پای خود را بسته و در حال اه و ناله کردن است را نشان میدهد همزمان سگ جلوی درب طویله روی صندلی نشسته و روزنامه مطالعه می کند و خر روی تختی که در گوشه طویله دراز کشیده و در حال موزیک گوش کردن است نور کم کم میاد و صدای موسیقی کم کم می رود

گاو-«درحال اه وناله کردن» خرمیشه این اهنگو قطع کنی ما تو این طویله ازدست تو اسایش نداریم

خر -«مهل نمیزاره»

گاو - حی خر باتوام گفته ام این اهنگو قطع کن

خر-چه میگی گاو نمیزاری یه کم باموزیک کیف کنیم «موزیک راقطع میکنه»

سگ -«درحال روزنامه خواندن»خب راست میگه خر مگه نمیبینی گاو حالش بده

خر - خب به من چه، مگه تقصیر من بوده گاو پاش خورده به تخته سنگ

گاو-«درحالی که از شدت درد اه وناله میکنه روبه تماشاگران گویی با تماشاگران حرف میزند» شما

انسان ها اشرف مخلوقات هستین درسته شما انسان ها عقل وشعور دارین وما حیوانات بی عقل

وشعور هستیم شما انسان ها ما را اهلی ورام کردید تابه شما خدمت کنیم من به عنوان یک گاو

قصدبی احترامی به شما انسان هاراندازم ولی من تا الان به اربابم اقای خوان خوارس سه گوساله نر و

چهارگوساله ماده دادم،هرروز بیش از پنج کیلو شیرمیدم «بادست زیر سینه ها خودمیزنه» شیر

پرچرب ولذیذ«زبونشو بیرون میاره» الانم با این که یه گاو پیرم بازهم حامله ام وجنین سه ماهه

درشکم دارم «با دو دست زیرشکم خود میزنه» ولی الان چندروزه پام شکسته وداخل این طویله

افتادم یکی به دادم نمیرسه حتی ارباب خوان خوارس...

خر-«متعجب» باکی حرف میزنی گاو،مگه دیوونه شدی

گاو-واقعا که خری و نمیفهمی

سگ -«درحال روزنامه خواندن» از شما پیش کسوت گله متعجبم با این توقعاتی که از انسان ها

داری

خر-منم با حرف این سگ گوش دراز موافقم هنوز این موجودات دوپا را نشناختی «دست خودشو

طرف تماشاگرها دراز میکنه» این ها دشمن ها ما هستن

سگ -تو اینقد حرص نخور خر سوراخ دماغت گشادتر میشه

گاو-این انسان ها اگر عقل وشعور داشتن همدیگرو به خاک خون نمیکشیدن

خر-گاو مثل این که خیلی دلت پره از انسان ها

گاو-جناب خر شما هنوز ادم ها رانشناختی این ها مارا به خاطر نفع و سود خود می خوان ،من بعد باید از روی جنازه من رد بشن تابزارم منو بدوشن

خر-راست میگی باید یه فکری کنیم این ارباب خوارس خیلی ما را اذیت میکنه دیشب خودش وچهارتا نوه اش روی پشت من نشستن ومیگفتن سواری بده الان واریکوسل گرفتم

«درهمین لحظه بز و گوسفند درحالی که سبدی پرازعلوفه دردست دارن واردمیشن «

بز-سلام چطوری گاو بزرگ پات بهترنشده

گوسفند-«چسبی روی دماغش زده وتودماغی حرف میزنه» سلام عمو گاو

خر-جمعمون جمع بود،بز وگوسفندمون کم بود

بز-«روبه خر»من با شما حرفی دارم خرمحترم

گوسفند-عمو گاو این علوفه ها رابرای عیادت شما اوردیم

گاو-دستت درد نکنه گوسفند خانم راضی به زحمت نبودیم

خر-یه جووری میگی علوفه والا ما فکر کردیم برای عیادت جناب گاو ، جو ویونجه اوردین

گاو-ناشکری نکن خر همین چندروز دیگه همین خارهای خشک کنارطوبله هم گیرمون نمیاد

سگ -واسه چی مگه چی شده

گاو- والا چندروزپیش ازچندتا گاوهای دهکده چی واخ شنیدم یک هیولا اهنی انسان های ساختن که تمام مراتع وزمین ها را داره خراب میکنه ماباید جلوی ستم های این انسان هارابگیریم

گوسفند-«ترسیده» بز عزیزم هیولا اهنی دیگه چیه من می ترسم

بز-ببعی عزیزم ترس من پیشتم

خر-«روبه بز» توخودت یک ترسو بزدلی بز

بز-اقای خر محترم مشکل شما با من چیه ..

خر-ای زرت ...میخوای بگی بزدل وترسو نیستی

سگ -«یه زوزه ای میکشه « خر،بز الان موقع دعوانیست باید یه فکر اساسی کنیم

گوسفند-«تودماغی حرف میزنه « عمو گاو من میتروم حالا این هیولا اهنی کجاست

گاو-والا خودمم ندیدم فقط شنیدم اینجوری که شنیدم اسمش تراکتوره تمام زمین ها وبوته زارهارا خراب میکنه

خر-حالا چه خاکی به سرکنیم همین روزهاست که ارباب خوارس میارش این طویله را هم روی سرماخراب میکنه

بز-«یه زنگوله از جیب خود درمیاره وتکون میده»فهمیدم اصلا نگران نباشید بنده به عنوان نماینده بزهای دم تیزیه فکری دارم

خر-لازم نکرده حتما میخوای بگی بریم روی شاخ وبرگ درختان تا دست اون هیولا اهنی بهمون نرسه

بز-کم زربزن خر

خر-«سرشو زمین میزاره ودوپاشو بالا میکنه» فکر کن اون کله پهن ات هوس جفتک کرده گاو-خرجان میشه بزاری بز پیشنهادشو بده

خر-چشم جناب گاو

گاو-بفرمایید بز

بز-به نظر من یک اجلاس دائمی وعمومی تشکیل بدیم وازتمامی حیوانات دعوت کنیم تا دراین اجلاس شرکت کنن تا ظلم های که درحق ما ازطرف انسان ها میشه مطرح کنیم سگ -بعدهش تاچی بشه ...

خر-بعدهش تو برو نون خشک بز ن داخل اب بخور ، خب داره حرف میزنه

بز-ای بابا خب درپایان هر اجلاس یک استشهاد نامه محلی مینویسم هممون امضا میکنیم وتحویل ارباب خوارس میدیم واعتراض خودمونو از آوردن این هیولا اهنی به دهکده نشون میدیم

خر-خب اگر الان نگی خری ونمیفهمی،ما چه جوری به ارباب خوارس بفهمونیم که اعتراض داریم اون که بزبون مارا متوجه نمیشه

بز-خب خرمحترم کاغذ استشهادنامه رابه جای امضا همگی لیس میزنیم وبا پا مهر میکنیم وتحویل ارباب میدیم

گوسفند-افرین عزیزم فکرخوبیه من به تو افتخارمیکنم

بز-ممنون بیعی جان

خر- «عرعر میکشه بعد ادعای گوسفند وبز را درمیاره ...»

بز-خر محترم برای سومین بار میگم مشکل با من چیه

خر-چون تو کتاب تاریخ کبیر خرها سابقه نداشته یه خر بایه بز وگوسفند حال کنه

گوسفند-خب باید هم اینقد بسوزی چون کسی از گوشتت نمیخوره میخوای از حسادت بترکی

خر-چه میگی گوسفند خانم، حیف که خر هیچ وقت دست روی جنس مخالف بلند نمیکنه والا با

جفتک چنان میزدم روی اون دماغ عملیت که سینوس دماغت میرخت پایین ...

گوسفند-«باسبد پر از علف توسر بز میزنه» ای خاک توسرت ترسو بز دل مگه چیزی بهش نمیگی

بز-«غیرتی میشه» حی خر محترم میخوای چشمامو بهت قرض بدم خجالت نمیکشی این طوری به

نامزد من زل میزنی

خر-«دوباره با صدای بلندتر عرعر میکند» ای خدا این گوسفند دماغ عملی نامزده

بز-هر هر کر کر چیه مثل خر مار کوپولو عرعر میکنی

خر-هی درست صحبت کن به اسطوره ما خرها توهین نکن

سگ-«متعجب» اسطوره خرها!

خر-اره خب، خر مار کوپولو واسه ما خرها اسطوره بود تنها خری بود که همراه مار کوپولو تمام دنیا را

سفر کرد خوش به سعادتش ... «با دست اشکاشو پاک میکنه» کاشکی من جای اون بودم

سگ-خودتو ناراحت نکن خر توهم برو دور دنیا رابگرد

خر- سگ مگه من مثل تو بی صاحب و ولگردم

سگ-خب زرنزن الکی اشک نریز

گوسفند-ببینخشید جناب خر شما واقعا گریه کردین

خر-نه داشتم به گور بابای این بز میخندیم، خب داشتم گریه میکردم چه حرف های میزنی

گوسفند خانم

گوسفند-آخه اولین باره میبینم یه خر گریه میکنه

خر-کی گفته خر احساس نداره

بز-«روبه گوسفند» خانم با غریبه حرف نزن نمیخواد احساس همدردی کنی

خر-چیه ترسیدی بز فکر کردی مخ نامزد تو میزنم

گوسفند-«روبه بز» عزیزم من خیلی تشنه امه برم یک قلوب H₂O₂ بخورم

سگ - H₂O₂ دیگه چیه ازاین نوشیدنی ها زهرماری که اسب ها میخورن نباشه

گوسفند-واقعا که خیلی سگ بی کلاسی ...منظورم ابه

بز-ببعی عزیزم این ها یه مشت دام دهاتی هستن چه میدونن H₂O₂ همون ابه

«گوسفند از صحنه خارج میشود»

خر-«روبه گاو» گاو چیزی شده ،چرا ساکتی

گاو-دیگه میخواستی چی بشه این جوری پیش بره تموم این دهکده توسط این هیولا اهنی خراب
میشه

بز -«با صدای بلند ناله میکنه»

سگ -«به طرف بز میدوه» چی شده بز

بز-شکمم خیلی درد میکنه

خر-هیچش نیست از بس جو خورده اسهال گرفته

بز-نه خر جون صبح که بانامزدم گوسفند زیر بارون قدم میزدیم تورا چندتا کاغذ و مقوا خوردم
فکر کنم به خاطر اونه

سگ -«می خنده»

بز-چرا میخندی سگ

سگ -خر جون خیلی باحاله ،خر خون شنیدم ولی خر جون اولین باره میشنوم

خر-همینو کم داشتیم که یک سگ ولگرد گوش دراز مارا مسخره کنه

سگ -«عصبانی میشه» درست صحبت کن ،اگر اومدم دست چپتو گاز میگیرم

خر-مال این حرف ها نیستی فکر کنم هنوز جفتک تو صورتت نخورده

گاو-«ماغ میکشه» اه بس کنید دوستان الان چه موقع دعواست باید الان متحد باشیم یه فکر اساسی
کنیم اگر اون هیولا اهنی بیاد تو دهکده هممون بدبخت میشیم

بز-بنده به عنوان ریاست جلسه ازدوستان عزیزسگ وخرمحترم خواهش میکنم ازشوخی ها بی مورد دست بردارن ونظم طویله رابرهمن نزنن

خر- چی شنیدم تایه خر توجلسه هست چرایه بز بشه رئیس جلسه

بز-خب خرمحترم چون ما در دانایی همیشه سرآمد همه دام هابودیم

سگ-من اعتراض دارم به نظرمن گاو سنی ازش گذشته اون بشه رئیس جلسه

گاو-نه دوستان من الان ۲۴ساعته کسی منو ندوشید ممه هام یه کم ورم کرده نمیتونم

سگ-تازه اشم الان گاو پاش شکسته توانایی کنترل جلسه ودهکده رانداره

خر-ولی به نظرمن این گاو کله پهن ازلحاظ دریافت ودرک پیام وشجاعت ازاین بزگر برتری بیشتری داره برای ریاست جلسه داره

بز-حی خرنفهمم چرا توهین میکنی بزگرچیه

خر-دلم میخواد هم خرزورم هم خرپولم کاری نکن باجفتک بزمنم توصورت تمام موهات بریزه توگوشت

سگ- بزخودت ناراحت نکن این خر بابقیه خرها فرق میکنه هم خرزوره هم خرپوله هرچا میره جفتک میزنه ودیه میده

خر-سگ به توجه ربطی داره ، بعدشم من کلی کارکردم تاپولدارشدم بارگندم کشیدم مثل خودتم صبح تاشب ولگردی میکنی وجلو درب طویله میشینی وروزنامه میخونی

بز-خبر خرمحترم ماهم کلی گوشت ، پوست ،پشم ،پشم ،تولید میکنیم هیشکی به ما نمیگه بزپول همه اش میگن خرپول

خر-چون تو ترسو هستی بزدل ،نمیتونی حق خودتو از انسان ها بگیری

بز-کی گفته ماترسو هستیم اصلا هم اینطورنیست ماهمیشه به ارتفاعات صعودمیکنیم روی صخره های تیز راه میرویم که از عهده خود انسان هم برنمیاد ولی باز میگن بزدل

سگ-بز نمیخواد حرف ازشجاعت بزنی که ما سگ ها نمونه بارز شهامت و وفاداری هستیم الانم اگر گاو نمیخواد رئیس بشه باید ریاست طویله برعهده من باشه

گاو-نه سگ عزیز به نظرم تو همون نون خشک بزنی تو اب بخوری بهتره

خر-«روبه گاو» گاو عزیزمن چی می تونم؟

گاو-نه خر توهم نمیتونی، چون قابل خوردن نیستی

خر-چه میگی، کی گفته من قابل خوردن نیستم تمام پسرها موهای منو چندرستوران غذاخوری بین راهی میفروشن میخورن

سگ - کم زربزن خر، بی خودنیست که به شما میگن خر چون هم بی خبرید وهم بی خرد، بی خبرید چون نمیدونید بعضی از انسان های چشم بادامی در شرق زمین برای خوردن ما چه پول هایی که خرج نمی کنند وبی خبرید چون حضور و شخصیت سگ را در این اجلاس عمومی مراعات نمی کنی وخرکی حرف میزنی

خر-راستش من خودم هم از این حقه ونیرنگ انسان ها راضی نیستم حاضر م سقط بشم گوشت وپوستم جلو افتاب وسط بیابون بیفته ولی خوراک مشتری ها چشم و گوش بسته نشم
گاو-به نظر من شما خرها درعین ساده دلی دربین ما حیوانات نمونه صبر و سخت کوشی هستین

خر-ممنونم جناب گاو خدامیداند ماچقد مظلوم واقع شدیم این انسان ها اینقد از ما شیر،دوغ، پنیر و روغن استفاده می کنند، بعد با بی انصافی برای تحقیر کردن دشمنان خود میگن خر نفهم، خرکودن

«در همین لحظه گوسفند در حالی که پفک میخوره و چتری در دست داره وارد میشود»

بز-اومدی ببی جان

گوسفند-اره چراغ زندگیم

بز-چی داری میخوری ببی

گوسفند-پفکه عموچوپون واسم خریده

گاو-گوسفند خانم بیخشید فضولی میکنم این چسب چیه زدی روی بینی ات

گوسفند-نه خواهش میکنم عمو گاو، این سینوس بینی داشتم به خاطر همین عمل زیبایی کردم

خر-سینوس بینی دیگه، چیه خوردنیه

سگ -خر نفهم منظورش سسپو بینی

گوسفند-وای شما چقد بی کلاسین خردنیا ندیده

سگ -«پارس میکنه بعد میخنده» مگه خردنیا دیده هم داریم

خر-هر هر نخند چیه نیشتم همه اش مثل سگ شی هوا هوا بازه

گوسفند-سگ شی هوا هوا دیگه کیه

خر-خودمم نمیدونم توکتاب تاریخ کبیرسگ ها خوندم یه نوع سگه کی خیلی دیرجای دستشویی کردنشو یادمیگیره

سگ-کم زربزن خر محترم حالا کارت به جایی رسیده نژاد مارامسخره میکنی خر دنیا ندیده

خر-یه باردیگه بگی خردنیا ندیده وبه اسطوره ما توهین کنی چنان باجفتک میزنم توسرت که زبونت ازگوشت بزنه بیرون

بز-خب راست میگه جناب خر مگه خردنیا دیده هم داریم

خر-اره داریم ،پس خرمارکوپولو چی بود تمام دنیا را از نزدیک دیده ،بعدشم مهندس بز بهتره اینو به نامزدت گوسفندخانم بگی که اول گفته خردنیا ندیده

گاو-گوسفندخانم نگفتی سینوس بینی چیه

بز-ای بابا چقدنفهمی تو گاو ،خب گفته سینوس همون سسپوگوسفنده به خاطر این گوسفندخانم چندتاكرم بزرگ رفت تودماغش مجبورشد عمل زیبایی کنه

گوسفند-اره دقیقا همین جوهره

گاو-توراخدا میبیند این سگ هم برای تحقیر کردن من میگه گاو نفهم دیگه حاله از هرچه حیوونه بهم میخوره

گوسفند-وای عمو گاو ناراحت شدین

گاو-با این حرفی که این نامزدت زد میخواستی نشم

گوسفند-توراخدا ناراحت نشین من ازطرف بز از شما معذرت میخوام که ناراحت شدین

گاو-اشکالی نداره پیش میاد من به دل نگرفتم ،به نظرمن به جای این حرف ها باید یه چاره ای بیندیشیم

بز-من یه فکری دارم

گاو-چه فکری جناب بز

بز-امروز به نشانه اعتراض برای سیر کردن شکم خود از این طویله بیرون نریم

گوسفند-خب عزیزم ماباید برای پیدا کردن علوفه وسیر کردن شکم خود به کوه بریم

سگ - راست میگه تاجایی که من خبردارم امروز ارباب خوارس با شترجوش رفته بیابون مسافرت
باید خودمون بریم دنبال علوفه و برگ درخت

بز - خب دوستان مگه نمییند این گاو بیچاره که سالارگله هست توان راه رفتن نداره پیشنهاد میکنم
همگی امروز همین جا بر بالین گاو بمونیم و از او مراقبت کنیم

خر - اهای مهندس بز میبینم خیلی دور گاو میچرخه خبریه، بعدشم تو خودت خیلی دوست داری
امروز نیا بیرون ماکه نمیتونیم به خاطر یه گاو گشنگی بکشیم

بز - خر مطمئن باش از گشنگی نمیگیری، ما میخوام یه جوری اعتراض خودمونوبه ارباب خوارس نشون
بدیم، والا همه میرفتیم بیرون یه مقداری علوفه هم واسه این گاو بیچاره میاوردیم

خر - چه میگی اینجا توطیله بمونیم مطمئن باش همسایه های ارباب میدونن ارباب نیست میان منو
برای بیگاری و مصالح ساختمونی کشیدن میبرن به فکر خودت نیستی لااقل به فکر من بیچاره باش

سگ - نترس سقط نمیشی بعدشم مگه من اینجا چوب باقلا هستم ناسلامتی نگهبان طویله هستم
نمیزارم کسی شما رابدون اجازه ارباب خارج کنه

خر - والا من دوسال تو این طویله هستم تابه حال ندیدم به جز پارس کردن کار خاصی انجام بدی
از بس پارس کردی سردرد گرفتم

سگ - خب خر کودن من پارس میکنم تا یه جوری به ارباب برسونم خطر ماراتهدید میکنه

بز - راست میگه، این سگ بیچاره کل زحمت هارا میکشه اون وقت برای مسافرت اون شتر لنگ
درازو باخودش به صحرا میبره

سگ - راستش منم خودم دیگه خسته شدم از این کار سه روزه یه تکه استخون گیرم نیومده

گاو - چه میگی بز اون شتر خودش هم دیروز از دست ارباب می نالید می گفت خودش و پیرزنش
و تموم نوه هاش ده نفری سوارم میشن بعد موقع ناهار با اردنگی و چوب میزنن رو پشتم میگن برو
خودتوبا خارهای تیز بیابون سیر کن

«خر یه کم فکر میکنه»

خر - من به نمایندگی از طبقه زحمتکش خر با پیشنهاد بز بزرگ صدردم موافقم ما امروز از طویله به
نشانه اعتراض بیرون نمیریم تاحقمان را بگیریم

گوسفند - افرین جناب خر، همین جا توطیله در کنار عموگاو می مونیم تا همدلی، همدردی و همبستگی
خود رابه سالارگله جناب گاو به اثبات برسانیم

خر- «با حرف گوسفند جو گیر می شود و بالای صندلی می رود و دوبار پشت سر هم شعار می دهد» زنده باد همبستگی دام های ستمدیده بر ضد انسان های ستم پیشه

«بز، گوسفند، گاو تکرار می کنند»

سگ- تو را خدا ببینید این خر چه زود احساساتی و خرمی شود و از روی بی خبری و بی خردی بر ضد انسان های آماده سرکشی می شود بی پایین بابا

خر- تو حرف زن سگ و لگردد حفته همون ماموران شهرداری با تفنگ ساچمه ای سوراخت کنن

بز- اه بس کنید الان چه موقع دعواست، باید متحد باشیم

خر- خب بز گر همه اش تقصیر این سگه، من به این شک دارم این جاسوس اربابه تو این طویله

گوسفند- خر محترم باشوهر من درست صحبت کن بز گر چیه... مهندس بز

بز- الهی، بیعی

خر- ببخشید گوسفند خانم از دهنم رفت

گوسفند- نه خواهش میکنم اشکالی نداره ولی خوبه ادب را رعایت کنید بز علاوه بر این که نامزد منه مادوتا در واقع از یک قوم و قبيله هستیم اگر ملاک براکثريت باشه به نظر من ریاست این طویله و جلسه را بدین برعهده یکی از مادوتا

سگ- بین خانم گوسفند یکی از ملاک های اصلی ریاست شجاع بودن کی بهتر از ما سگ ها، فردا گرگ حمله کرد اولین کسی که فرار میکنه یا خودتی یا این شوهر ترسوت

خر- منم با حرف سگ موافقم ریاست طویله باید برعهده یک دام شجاع و کاردان باشه کی بهتر از ماخرها

بز- خب خر محترم، خودت میگی کاردان، شما خرها که نمونه بارز احمقی و نادانی هستید

گاو- دوستان به نظر من فرقی نمیکنه که ریاست جلسه برعهده کی باشه مهم این که ما باید متحد باشیم و جلوی این هیولا اهنی را بگیریم مطمئن باشید اگر ارباب خوارس از سفر برگشت اولین کاری که میکنه اون هیولا اهنی را میاره تمام زمین و مراتع سرسبز را تخریب میکنه

بز- درسته ما اول باید مطمئن بشیم ببینیم واقعا اون هیولا اهنی که میگن وجود داره

گاو- من پیشنهاد میدم سگ را بفرستیم چند دهکده اون طرف تر ببینیم چه خبره

سگ- باشه من الان میرم زود برمیگردم

«سگ بلند همیشه واز صحنه خارج میشه»

خر-سگ اگر تونستی یه مقداری جو واسم پیدا کن و بیار پولشو بهت میدم

گوسفند-جناب خر تو چرا اینقد جو دوست داری

«خر مهل گوسفند نمیزاره ودر گوشه از طویله مشغول خوردن علف میشه واهنگ گوش میده اهنگ
کاملا احساسی ورمانتیک خارجی پخش میشه و بز وگوسفند روی میز و صندلی شبیه فضای کافی
شاپ روبه رو هم مثل دوتا زوج عاشق میشینن و باهم درد و دل میکنن ، گاو هم در گوشه ای از طویله
روی چند تا کارتون خوابش میبره»

بز- بیا بشین عزیزم تا خودم واست بگم خر برای این جو دوست داره ، که جو بخوره مست بشه
جفتک پرانی کنه

گوسفند-مگه جو مست میکنه چراغ طویله من

بز-نمیدونم تنها بهانه زندگیم ولی من از جو خیلی بدم میاد

گوسفند -چرا بز زندگیم

بز-اخه یه بار خیلی جو خوردم اسهال گرفتم نزدیک بود بمیرم

گوسفند -الهی عزیزم ،حتما جو زده شدی

بز-اره فکر کنم

گوسفند -بز

بز-جان بز

گوسفند-اگر بچه امون به دنیا اومد اسمشو چی بزاریم

بز- من همیشه دوست داشتم بیاد پدرم ،اسمشو بزاریم پازن

گوسفند-نه من دوست دارم رمانتیک باشه مثلا اگر تو برف متولد شد اسمشو بزاریم بزبز برفی

بز-خوب عزیزم شاید تو یه روز افتابی متولد شد اسمشو بزاریم بز بزافتابی

گوسفند-ولش کن اصلا نمیخواد میزاریم میش

«اهنگ قطع میشه»

بز-حی خر چرا اهنگو قطع کردی

خر- مال خودمه دوست دارم هنوز سهمیه اتون نیومده اهنک گوش کنی

گوسفند-جناب خر منظور تون چیه سهمیه اتون نیومده

خر-چون همه اش یک ساله اومدین تو این طویله قرار نیست خوش باشین

بز-کم زر بز نخر محترم اصلا تو چکاره طویله هستی ،حتما باز دوباره جو زدی مست کردی

خر-اخ گفتین جو یاد یه خاطره ایام جوانی افتادم یه بار با عشقم ماچه خر رفتیم کاهدانی پول زیاد

همراهم نبود اون موقع هنوز خرپول نبودم ،ماچه خر سفارش جو داد ولی من فقط پول به اندازه کاه

داشتم اون موقع خیلی ضایع شدم مجبور شدم خودم غذا نگیرم

بز-نمردیم تا این که خرهم زید داشته

گوسفند-ای خر شیطون تو هم این کار بودی وما خبر نداشتیم

خر-«روبه گوسفند»مگه من چیم از این ریش بز ی کم تره فکر کردی فقط ریش بز ی ها میتونن زید

بگیرن ،من خودم جوون که بودم ته ریش میگذاشتم

بز-«می خنده » وای خدا تصور کنید یه خر ته ریش بزازه

خر-هرهر نخند چیه مثل بوزینه های دوره رنسانس میخندی

گوسفند-عزیزم بوزینه چیه اونم حیوونه

بز-نمیدونم ولی فکر کنم به بزهای قدیم بوزینه میگفتن

گوسفند-ولی جناب خر من از بقیه حیوانات شنیدم یه بار از یه اردکی خواستگاری کردی ،اما اردک

ماهیچه پاتو منقار زد وبهت جواب رد داد

«در همین لحظه سگ در حالی که مقداری استخوان به دهن گرفته بدون سروصدا وارد میشو روی

تخت میشیند وبا زبون به استخوان لیس می زد » چیه مگه سگ ندیدین ،چرا این جووری نگاه میکنید

خر-مگه قرار نبود جو واسه من بیاری ،ترسیدی پولشو بهت ند

سگ -خر حسابی جو کج بودی من همین استخونو به هزار بدبختی از دهن گربه گرفتم

گوسفند-«ناراحت میشه » طفلی میو میو

بز-سگ چی شد چکار کردی اون هیولا اهنی حقیقت داره

سگ -اره حقیقت داره تمام زمین ها دهکده های بالایی را شخم زده این جوری که شنیدم اسمش تراکتوره

بز-حالاچه خاکی به سرکنیم ،جناب گاو

گوسفند-عزیزم گاو خوابیده فکرکنم

بز-جناب گاو ...«چندبار گاو صدا میزنه بیدار نمیشه»

خر-نکنه مرده باشی

گوسفند-وای گاو بیچاره

بز-واقعا که خری ،مگه نمیبینی داره خریف میکنه چی مرده باشه

«خر سریع یک سطل اب که داخل طویله هست روی صورت گاو خالی میکنه»

گاو-«به هوش میاد» چی شده هیولا اومد

خر-اره هیولا اومد ، گاو حسابی تو خودت مارا برعلیه ارباب متحد میکنی که حقتونو بگیرین ،بعدش

خودت میگیری میخوابی

گاو-ببخشید من یه کم پادرد داشتم خوابم برد به نظرم حالا که مطمئن شدیم اون هیولا اهنی وجود

داره نباید وقتو تلف کنیم امروز سروکله ارباب خوارس پیدا میشه ،ما بایدقبل از این که ارباب

ازقضیه اون هیولا اهنی بو ببره از شر او راحت بشیم

«همه تعجب می کنند»

خر-یعنی چه راحت بشیم ،یعنی تو میگی ما باید اربابو بکشیم

گاو-اره باید اونو بکشیم ،مطمئن باشید این طویله واین مزرعه دهکده دست خودمون باشه بهتره

بز-گاو بزرگ مطمئن سرت به دیوار نخورده ، ولی ما چه جوری ارباب خوارسو بکشیم تازه اشم اون

انسانه اشرف مخلوقات همه قدرتش بیشتره همه عقلش

گاو-بز عزیز این ربطی به قدرت عقل نداره ،من یه فکر خیلی خوبی کردم امشب که ارباب خوارس

از سفر برگشت یکی مامور بشه داخل ظرف غذاش سم بریزه

گوسفند-افرین عمو گاو فکرخیای خوبیه

خر-چه میگی گوسفند فردا بفهمه کارما بود خودت میخوای جلوی تفنگ های ساچمه ای ارباب سینه

دراز کنی یا اون شوهر ترسوت

بز-من ترسوهستم یا تو ، که همین اول کار ترسیدی

بز-بس کنید منم باحرف گاوموافقم ،بهتره امشب یکیمون مامور بشیم وداخل ظرف غذا ارباب سم بریزیم

«همه همزمان به سگ که در گوشه ای ازطویله درحال لیس زدن به استخوان هست نگاه می کنند»

سگ -«درحال لیس زدن به استخوان» چیه چرا اینجوری نگاه میکنید ،اصلا رو من حساب نکنید من فقط از ارباب فرمان می گیرم هروقت او دستور بدهد عملی می کنم

بز-میخوای بگی خیلی به ارباب وفاداری

خر-به جون خودم این ازاولشم جاسوس ارباب بود تو این طویله ،باید هم قبول نکنه چون هرلحظه بخواد استخون وغذاش آماده هست

سگ-«درحال لیس زدن به استخوان» شما همه دست به یکی کردین تا ازشر ارباب راحت بشین ،همه اتون تحت تاثیر شعارهای پوچ این خر بی خرد قرار گرفتید فردا زمستون بیاد ما بدون ارباب چه جوری شکم خودمونوسیر کنیم ،بعدشم شاید ازاین نقشه جون سالم به دربیره اون موقع مارا ازطویله بندازه بیرون چه خاکی برسر کنیم

گوسفند-ولی سگ مطمئن باش تا زمانی که ما برای صاحبمون سود ومنفعت داشته باشیم این کارو نمیکنه

خر-ولی من میخوامم حقمو بگیرم خدا خوشش میاد تمام دوستان من الان تو شهر بهترین پالان ها نو،نوار وافسارهابرنجین ،وزنگوله های خوش صدا گردنشونه اون وقت من تو این دهکده هرروز مصالح ساختمونی بزارن روپشتم

گاو-راست میگه دوستان به خودتون بیان باور کنید من اگر الان تو کشورهندوها بودم روزی هزاران انسان فقط منو زیارت میکردن وازم طلب عفو وبخشش می کردن ولی اینجا چی الان یه هفته است اینجا بیمارم حتی ارباممون هم نیومده پامو نگاه کنه

خر-من همین امروز فرار میکنم

بز-معلومه که ترسیدی خر ، مگه بچه شدی فرار کنی اطراف دهکده چامولا پرازگراگ های درنده هست میخوای خودتو به کشتن بدی

«سگ دوباره مشغول خواندن روزنامه می شود»

خر-هرجا باشه بهتر از این طویله ودهکده هست

بز-ولی یه لحظه فکر کن از شر ارباب راحت بشیم اون موقع همه این دهکده وطویله دست خودمونه ،تازه اشم سگ تو الان باید بالاترین نقطه شهر مکزیکوسیتی روی مبل میخوابیدی نه نگهبان این طویله

خر-اینجوری که معلومه فکر همه چی را کردی ،نکنه خودت هم میخوای ریاست اجلاس طویله ودهکده رابرعدهه بگیری

بز-نه خر عزیز هدف اول ما از میان برداشتن ارباب خوارس بعدشم نزاریم اون هیولا اهنی وارد این دهکده بشه،بعدش یک نظرخواهی میکنیم یکیمون برای یه دوره میشیم ریس اجلاس عمومی ودائمی طویله

سگ -«می خنده» ...

گوسفند-بخشید جناب سگ حرف خنده داری بود؟

سگ-نه اینجا ببینید توروزنامه صبح دهکده چی نوشته ...

بز-چی نوشته

سگ -انفجار بزرگ یک طویله برائربادشکم یک گاو در چندکیلومتری دهکده ناگولا،ای خدا نگاه اینجا چی نوشته

گوسفند-چی نوشته ...

سگ - «می خندد»نوشته دولت مکزیکی قصد دارد برای اصلاح نژادهای خروطنی با هواپیما وکشتی مقداری نره خر ازکشور قبرس وارد کند جالبه درادامه نوشته هیچ ماچه الاغی حق نداردبا خرهای وطنی جفت گیری کندتا نسل های الاع های وطنی کم کم اصلاح شود

خر-نه این واقعیت نداره ،خر سرش بره ناموسش نمیره ما بشیم ازنژاد دورگه وطنی وقبرسی

بز-ازدست این اشرف مخلوقات ،عجب خر توخری شد حالا باید چکار کنیم مشکلات داره بیشتر میشه

گاو-دام های عزیز خواهش میکنم چند لحظه خوب به حرف های من توجه کنید ،واقعا این کارهای انسان ها خنده دار هست شما حق داریدنسبت به این رفتار واکنش نشون بدین شما حیوانات چه اهلی وچه وحشی حق زیستن دارید الان من به این خر جوان حق میدم از این کار دولت شاخ دربیارد ما باید باهم متحد شویم وبیش تر ازاین وقتو هدرندهم شاید من همین فردا بیشتر

در کنار شما نباشم چون جراحی سم پام کم کم داره منو از پا درمیاره ماباید در اولین فرصت بدون هیچ معطلی امشب که ارباب خوارس از سفر برگشتن اورا به قتل برسونیم بعدشم یک اجلاس تشکیل می دهم واز همه نمایندگان حیوانات دنیا دعوت میکنیم در این اجلاس شرکت کنندویک قطع نامه برضد ظلم های انسان ها وضع کنیم اگر نظری دارید بفرمایید

بز-بنده به نمایندگی از طبقه تجار بز تا آخرین قطره خون خود از این قطع نامه حمایت می کنم وپاش هم هستم

گوسفند-منم با اجازه قوچ بزرگ این قطع نامه را امضا میکنم

سگ -بنده هم با این که چندمرتبه در جلسه امروز گفت وگویی تندی بین منو این خرمحترم پیش اومدبه منظور نشان دادن حسن نیک و کمک به ایجاد یک جو آرام در طویله این قطع نامه را می پذیرم واین کاغذو لیس میزنم

بز-خر الان که همه قبول کردن منتظر چی هستی چند تا از شعارهای خوبت بده

خر-دوستان اگر اجازه بدین می خواهم یه کم بیشتر فکر کنم می ترسم امضا این منشور و قطع نامه به ضررم تمام بشه

بز-ای بابا این خر هم مارا خرگیاورد خب یابو خودت چند دقیقه قبول کردی حالا میزنی زیرش

گوسفند-بز عزیزم خودتو ناراحت نکن این از اولشم یه ترسو بود

بز-گاو تو یه حرفی بهش بزنی

گاو-خرجان مطمئن باش این منشور نامه و قتل ارباب هیچ ضرری به ما نمی رسونه بلکه تمام انسان ها وجهان راقانع می کند کن به وضع ما حیوانات بیشتر رسیدگی کنند

خر-«به فکر فرو میره وسکوت میکنه»

گوسفند-دوستان سکوت نشانه رضایته

بز-منتظر چی هستی خر، دیالا قبول کن

خر-به یه شرط قبول میکنم

گاو-چه شرطی؟

خر-ریاست دوره اول اجلاس طویله بامن باشه

گاو-باشه قبول

بز-چی چی قبول جناب گاو

گاو-بزبزرگ خودم درستش میکنم نگران نباش

بز-باشه هرچه شما بگین

گاو-خب سگ عزیز همین الان برو مقداری سم از انباری پیدا کن امشب بریز تو ظرف غذا ارباب هرچه بیشتر سم پیدا کنی به هدفمون بیشتر نزدیک میشیم

سگ-چشم سالارگله

«یه احترام مسخره ای میزاره وازصحنه خارج میشه»

خر-«به سمت تخت خودش میره ودراز میکشه»

بز-دوستان شما مطمئن هستین امشب ارباب از سفر برمیگرده

گوسفند-اره عزیزم مگه ندیدی سگ گفته،هرچی باشه اون همیشه تو ساختمون اربابه بهتر خبرداره

خر-یعنی واقعا میشه امشب ما برای همیشه از شر ارباب خوارس راحت بشیم «خمیازه میکشه وبخواب میره»

بز-جناب گاو تو فکر فرو رفتین

گاو-نمیدونم،هرکاری میکنم فکرم نمیتونه اروم باشه،یه حس بدی دارم

گوسفند-چه حسی جناب گاو؟

گاو-«اطراف خودشو بو میکشه» بوی خیانت احساس میکنم

بز-«متعجب» خیانت!

گاو-اره خیانت

«صدای خریف خر میاد»

بز- ولی من به سگ اعتماد بیشتری دارم تا به این خر

گوسفند-اره این خر خیلی مشکوک میزنه هم از رفتارش و هم گفتارش میشه فهمید،اول اون شعارهای که میداد بعد زد زیرحرفش و واسه ما شرط گذاشت که ریاست دهکده وطویله به اون بدیم

گاو-گوسفند خانم شما اینو به پای خیانت خر نذارین به پای نادونی واحمقیش بزارین

بز-ولی جناب گاو این خر با بقیه خرهای عالم فرق داره

گاو-فرق داره ،ازچه لحاظ می فرمایید

گوسفند-خودشو یه خر جنتلمن وازطبقه بالا خرها میدونه

بز-راست میگه جناب گاو این خر زیاد سروگوشش میجنبه من بهش خیلی شک دارم

گاو-ولی من بعید میدونم این خر خیانتکارباشه و اخبار واطلاعات این طویله را دراختیارارباب خوارس بزاره

«درهمین موقع سگ کیسه ای از سم به دندان گرفته و و واردمیشه»

بز-چکار کردی سگ ، سم پیدا کردی

سگ -اره یه مقداری داخل انباری پیدا کردم

گاو-خب چرا اینجا آوردی مگه قرار نبود ببری تو اشپزخونه ارباب اونجا بریزی تو غذاش

سگ -چرا قرار بود ولی من دیگه منصرف شدم ، نمیتونم ونمیخوام به ارباب خوارس خیانت کنم

بز-«عصبانی میشه» نمیتونی ،تو غلط کردی

سگ -بامنی ..

بز-اره باخودت بودم

«سگ به طرف بز میره ودست چپشو گاز میگیره ،باصدای ناله بزخر از خواب بیدارمیشه ، گاو به زور

سگو از بز جدا میکنه وبه طرف دیگر صحنه میبره وگوسفند هم با کیف دستی خودش تو سر سگ

میزنه

گوسفند-ولش کن کشتی نامزدمو

سگ -نصف حقش بود

بز-تو یه سگ ولگرد وعصبی هستی ازت بدم میاد

گوسفند-بز عزیزم حالت خوبه

بز-اره عزیزم نداشتن والا با شاخ هام شکمشو میرختم پایین

خر-چه خبرتونه یه ده دقیقه ماخوابیدم طویله را ریختین روی سرتون

بز-خر از این سگ پپرس از اولشم گفتم به این سگ شک داشتم

سگ - حرف نزن بز اگر این بار او دم دست راستو گاز میگیرم

گاو- بس کن سگ ، مگه قبول نکردی سم بریزی تو ظرف غذا ارباب

سگ - چرا جناب گاو قبول کردم ولی عذر مرا بپذیرید من منصرف شدم نمیتونم اربابو به قتل برسونم

خر - میخواد بگی خیلی به ارباب خوارس وفاداری

سگ - چرا من باید این کارو کنم ، من فکرهای خودمو کردم قبل از این که ارباب پاش برسه این

دهکده وسایلمو جمع می کنم واین دهکده را واسه همیشه ترک می کنم

گاو- ترک میکنی کجا میخوای بری

سگ - اونش به خودم ربط داره «بیا همه سم ها تو این کیسه همه اشو واسه خودتون بردارین

از صحنه خارج میشه »

بز- من از اولشم به این سگ شک داشتم وگفتم جاسوسه ، اون روز هم که ارباب این خر بیچاره

باچوب کلی زد کار خودش بود به ارباب گفته بود خر رفت انباری زیرزمینی سرشو کرد داخل گونی

های ارد

خر - قسم میخورم امشب اینو می کشم اگر این سگو من نکشتم خر نیستم

گاو- به اعصاب خودت مسلط باش خر، اشتباه نکن ما باید اتحاد خودمونو حفظ کنیم اینجوری کاری

از پیش نمیبریم اون ارباب ظالم روزبه روز مارا اذیت میکنه وازما بیگاری میکشه

«صدای پارس سگ چندبار میاد»

گوسفند - فکر کنم ارباب خوارس از سفر برگشته

«خر بلند میشه وکیسه سم را برمیداره واز صحنه میخواد خارج بشه»

بز- کجا میری خر

خر - اینجا تو این طویله بشینم تاسقط بشم ، وقتشه خودم دست به کاربشم «از صحنه خارج میشه »

گوسفند - بز عزیزم من می ترسم دل شوره دارم

بز - نگران نباش ببعی من

گاو - دیدی حدستون اشتباه بود جناب بز ، گفتم که این خر نمیتونه خیانت کارباشه

بز - اره تو این زمونه ادم نمیتونه به هیچ حیوونی اعتماد کنه

«در همین موقع شلیک چند گلوله میادبزوگوسفند از شدت ترس به این سو وان سو صحنه میدون وزیرتخت قایم میشن گاو هم از شدت ترس زیر علوفه ها قایم میشه خر با حالت شادمانی وارد میشه»

خر- «می خنده» کجا قایم شدین حیوانات ترسو، من بالاخره موفق شدم شما را از دست اون ارباب ظالم نجات بدم من او را کشتم

گاو- «سرشو از زیر علوفه ها میاره بیرون»

خر- بیا بیرون جناب گاو باور کنید راست میگم بالاخره ما از شر اون ارباب بدجنس و اون سگ جاسوسش راحت شدیم

گاو- «از زیر علوفه ها بلند میشه» چون من راست میگی خر

خر- اگر باور نداری برو بیرون نگاه کن

«گاو بلندمیشه بدون این که دردی در پای خودش احساس کنه و به سمت درب طویله میره و بیرونو نگاه میکنه»

گاو- وای باورم نمیشه ارباب خوارس مرده

«بزوگوسفند که از شدت ترس قایم شده بودن بیرون میان»

خر- نگاه این ترسوها که میخواستن ریاست این دهکده و طویله را برعهده بگیرن

بز- واقعا ارباب خوارس مرد

خر- اره، چی فکر کردی هنوز منو دست کم گرفتین

گوسفند- ولی چه جور می جناب خر

خر- اولش خودمو به هزار زحمت داخل ساختمون کشیدم اونجا دیدم سگ داره وسایل و اسبابشو جمع

میکنه بدون این که بویی بیره خودمو به اشپزخونه رسوندم مقداری سم ریختم توی اب و غذا با قدم

های لرزان زدم به چاک در همون موقع بود که ارباب از فرط خستگی برای نوشیدن اب وارد

اشپزخونه شد و کل ظرف اب را سرکشید به حالت تلو تلو افتاد با قدم های غیرعادی به این سو وان

سو ساختمون میرفت سگ تا دیدش کلی پارس کرد اونم یکدفعه تفنگشو برداشت و چندتیر تو

شکم سگ خالی کرد خودش اینقد گیج خورد تا افتاد زمین و مرد

گوسفند- سگ بیچاره اون طفلی که کاری نکرد

بز-خب عزیزم حتما فکر کرده اون تو ظرف ابش سم ریخته و مسمومش کرده

گاو-حقش بود اون یه جاسوس بوده

گوسفند-ولی من احساس میکنم اون خیلی به ارباب وفادار بوده و حقش نبود که اونو بکشه

خر-دوستان به خاطر این اتفاق میمون و این پیروزی بزرگ من شمارا دعوت میکنم به صرف یک نوشیدنی خوشمزه درضمن من دیگه تمایلی ندارم ریس بشم

بز-«خوشحال» ولی اخه جناب خر...

خر-اخره نداره باوجود حیوانات شایسته مثل شما و جناب گاو چرا من بشم، دوستان بفرمایید به صرف نوشیدنی

«گوسفند و بز لیوان نوشیدنی را غافل از این که بفهمن خر سم ریخته توش سر میکشن ولی گاو نوشیدنی برنمیداره»

خر-جناب گاو شما نمیخورین

گاو-نه من نمیخورم شما به جای ما نوش و جان کنید

«در همین موقع بز و گوسفند روی زمین میفتن و میمیرن»

گاو-ای وای چی شده، «روبه خر» خب خر عزیز مثل این که زیاد هم احمق و نادون نیستی

خر-ماخرهای هیچ وقت نادون و احمق نبودیم انسان ها الکی برچسب نادونی و احمقی برپیشانی ما چسبوندن

گاو-یعنی میخوای بگی از ما گاوها هم زرنگ ترو باهوش ترهستین

خر-فکر کنم تا الان باید متوجه شده باشی اونی که لیاقت حاکم شدن بر این مزرعه و طویله را داره من هستم

گاو-«می خنده» اولین خری هستی که میبینم با بقیه خرها فرق داری ولی خر عزیز بدون که من خودم اولین کسی بودم که شما را بر علیه انسان ها و ارباب خوارس متحد کردم اولین کسی بودم که گفتم قراره یک هیولا اهنی وارد این مزرعه و دهکده بشه باید بدونی اون هیولا اهنی نیست بلکه یک فرشته اهنی هست با اومدن تراکتور مادیکه از شر گاو اهن و شخم زدن راحت میشیم پس دلیلی نداره با اومدن تراکتور به این مزرعه و دهکده مخالف باشیم تازه به نفع ما گاوها هم هست

خر- پس از اولش هم میدونستی اون هیولا اهنی به ضرر مزارع ومراتع نیست الکی مارا برعلیه ارباب خوارس متحد کردی

گاو- درسته من میخواستم از شراون ارباب راحت بشم چون مطمئن بودم اون با اومدن تراکتور بازهم ازما بیگاری میکشه وهدف اصلیم ریاست براین مزرعه بود واستفاده تراکتور به جای خودمون «درهمین لحظه دوگاو دیگه درحالی که یکی از گاوها تفنگ ارباب خوارس رادردست داره وارد میشن»

خر- تو یه خیانتکاری گاو کثیف

گاو- خوش اومدین پسرعموها، بهترخداحافظی کنی الاغ احمق

«یکی از گاو های به طرف خر شلیک میکنه، خر روی زمین میفته»

گاو- خب دوستان دیگه دوره بیگاری ما به سر رسید به عصر جدید تراکتور خوش اومدین

«اهنگ شاد پخش میشه ونورمی رود»

هرگونه کپی برداری واجرا وبرداشت از اثر منوط به اجازه کتبی نویسنده هست

09175049582